

فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۹۵، صفحات ۱۷۱-۲۰۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۶/۱۵

بررسی رابطه‌ی موقعیت‌های ساختاری و طبقاتی با سبک زندگی سلامت محور؛ مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز

حمید رضا نصرالهی قلعه عبد شاهی^۱

کریم رضا دوست^۲

سید عبدالحسین نبوی^۳

چکیده

مفهوم سبک زندگی حاصل بسط تأملات وبر درباره‌ی گروه‌های منزلت است. سبک زندگی دربرگیرنده‌ی الگوهای روابط اجتماعی، فعالیت‌های فراغت، الگوهای خرید، مصرف فرهنگی، شیوه‌های مدیریت بدن، رفتارهای خانوادگی، دکوراسیون منزل و مُد است و نگرش‌ها و ارزش‌ها و جهان‌نگری افراد را منعکس می‌کند. هدف این پژوهش بررسی رابطه‌ی موقعیت‌های ساختاری و طبقاتی از جمله جنسیت، درآمد، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، وضعیت مالکیت مسکن، پایگاه ذهنی اجتماعی- اقتصادی با سبک زندگی است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش تعداد ۱۶۴۰۹ دانشجوی در حال تحصیل در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشد که با روش نمونه‌گیری متناسب با

۱ - قلعه عبد شاهی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

hamidrezanasrolahi92@gmail.com

rezadoostk@yahoo.com

dr.seiedabdolhossein.nabavi@gmail.com

۲ - دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

۳ - دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

حجم و با توجه به جدول کرجسی و مورگان از بین پانزده دانشکده‌ی دانشگاه شهید چمران اهواز تعداد ۳۷۷ نفر انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ی استاندارد شده است که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۳/ ارزیابی گردید. مبنای نظری این پژوهش، تلفیقی از نظریه‌ی ماکس وبر و تورشتاین و بلن است که نتایج حاصل از آزمون‌های آماری نشان داد که بین موقعیت‌های ساختاری و طبقاتی با سبک زندگی یک رابطه‌ی معنادار وجود دارد و می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که دانشجویانی که از موقعیت ساختاری و طبقاتی بالاتری برخوردارند؛ با انتخاب سبک زندگی متمایز، خود را از دیگر گروه‌ها و طبقات جدا می‌سازند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، موقعیت‌های ساختاری و طبقاتی، تمایزجویی، مصرف متظاهرانه.

مقدمه

سبک زندگی^۱ عنوانی شناخته شده است که در بیش‌تر علوم انسانی در سطح بین‌المللی از زوایای متعدد به آن نگاه می‌شود. مؤلفه‌های شناخته شده‌ی آن در دنیای علمی امروز، عبارتند از: فعالیت‌های فیزیکی، اوقات فراغت، خواب و بیداری، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی، معنویت، ایمنی و آرامش، تغذیه و ... که هر کدام به منزله‌ی بزرگراهی از راه‌های زندگی افراد به حساب می‌آیند. سبک زندگی، شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به وسیله‌ی آن پی می‌گیرد. این شیوه‌ها، حاصل زندگی دوران کودکی فرد است. به عبارت دیگر، سبک زندگی بُعد عینی و کمیت-پذیر شخصیت افراد است (کاویانی، ۱۳۹۰: ۲۸).

1- Lifestyle

سبک زندگی از مفاهیم معمول و مصطلح در علوم اجتماعی است که پیوند وثیق و غیرقابل‌گسست با مفاهیمی چون عینیت، ذهنیت، اجتماع، فرهنگ، جامعه، شخصیت، هویت و مفاهیمی دیگر از این قبیل دارد؛ زیرا بدون درک محتوای این مفاهیم، درک قاعده‌مندی از سبک زندگی میسر نیست (نوایی و موسوی، ۱۳۹۲: ۴۴).

سبک‌های زندگی در تقابل یا حداقل در ارتباط با یک فرهنگ مسلط شکل می‌گیرند. در نتیجه سبک‌های زندگی، فرهنگ‌های زنده‌ای هستند که در آن‌ها افراد هویت خود را به طور بالقوه، اما در رابطه با موقعیت خود در ارتباط با فرهنگ مسلط بیان می‌کنند. شایان ذکر است که برساخت سبک زندگی، فرآیندی اجتماعی و کنترلی است تا آن جا که ممکن است هر فرد به عنوان مولد سبک زندگی خودش شناخته شود و این امر از طریق مشارکت خلاق در نظم هنجاری‌ای صورت می‌پذیرد که ممکن است آن پایگاه، معنا و عزت نفس ایجاد کنند (مایلز، ۱۳۹۲: ۴۶).

این پژوهش به دنبال بررسی رابطه‌ی موقعیت‌های ساختاری و طبقاتی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، شامل: جنسیت، درآمد ماهیانه خانوادگی، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، نوع مالکیت مسکن و پایگاه ذهنی اجتماعی-اقتصادی با سبک زندگی است.

ادبیات تحقیق

۱- چارچوب نظری: براساس آراء و بلن، سبک زندگی با انگیزه‌های تمایزجویی و چشم هم‌چشمی صورت می‌پذیرد. به تعبیر و بلن مصرف خود نمایانه میان فرد و

خاستگاه وی، فاصله می‌اندازد. طبقه مرفه یا تن‌آسا در جوامع کوچک با فراغت خودنمایانه و در جوامع بزرگ شهری با مصرف متظاهرانه، تمایز خود را با دیگر طبقات اجتماعی گوشزد می‌کند (شاهنوشی و تاجی، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۵).

وبلن در بحث از مصرف، متوجه طبقه‌ی تن‌آساست و معتقد است؛ اعضای این طبقه برای کسب تمایز و منزلت اجتماعی، با یکدیگر و با سایر افراد جامعه، کشمکش و رقابت دارند. وی ثروت این طبقه را مبنای اصلی تمایز و جایگاه والای اجتماعی آنان می‌داند. ثروت و جایگاه اجتماعی طبقه‌ی تن‌آسا مصرف متظاهرانه را در پی دارد که بر مبنای آن، اعضای این طبقه از موقعیت خود استفاده می‌کنند و با مصرف چشمگیر که صرفاً جنبه‌ی نمایشی دارد؛ هم خود و هم طبقه‌شان را از سایرین متمایز می‌کنند و هم برای خود ارزش والاتری قایل می‌شوند و شیوه‌ی رفتاری و مصرفی خود را به مثابه مُد به دیگران تحمیل می‌کنند (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۸).

وبلن در کتاب نظریه‌ی طبقه‌ی تن‌آسا، طبقه‌ای را ترسیم می‌کند که در آن افراد، تن‌آسایی و رفاه خود را به نمایش می‌گذارند و مصرف را نه برای رفع نیاز، بلکه برای کسب اعتبار اجتماعی و جلب توجه انجام می‌دهند. هدف اصلی وبلن این بود که بررسی کند؛ افراد چگونه به منزلت و جایگاه اجتماعی دست می‌یابند. وی در بررسی - هایش «ثروت» را عامل اساسی تمایز بین افراد و رسیدن به جایگاه‌های برتر اجتماعی یافت که باید نمود بیرونی داشته باشد و به عبارتی دیگر، بیانگرانه باشد. یعنی فرد با آن، خودش را به جهان پیرامون خود، معرفی نماید و موقعیت اجتماعی خود را ابراز دارد. مثلاً داشتن خدمتکار در منزل وسیله‌ای برای نشان دادن ثروت است (علمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰).

وبر برخلاف ویلن که بر مصرف و مُد در دنیای مدرن و پیامدهای آن تأکید دارد؛ به مفهوم سبک زندگی توجه دارد اما آن را برای تبیین و تشریح قشربندی و نابرابری اجتماعی به کار می‌گیرد. وبر در تحلیل تقسیمات و قشربندی اجتماعی علاوه بر نقش عوامل اقتصادی، منزلت اجتماعی و حزب را هم اضافه کرد و هر سه عامل را به طور همزمان در نابرابری اجتماعی دخیل دانست. اما وی بحث از سبک زندگی را در خلال بحث از شانس‌های زندگی و به خصوص گروه‌های منزلتی بیان داشت. در مورد شانس‌ها معتقد است؛ شانس‌های زندگی نظیر سن، جنسیت و قومیت بر انتخاب‌های فرد، از جمله سبک زندگی تأثیر فراوانی دارند. همچنین درباره‌ی گروه‌های منزلتی بر آن است که گروه منزلتی از نظر اجتماعی دارای احترام و آبرویی همگانی است و سبک زندگی ویژه‌ی خود را دارد و براساس همین امور از سایر گروه‌ها متمایز می‌شود. وبر در کل معتقد است که سبک زندگی از جایگاه و موقعیت اجتماعی ناشی می‌شود و گروه‌های مختلف، سبک‌های زندگی متفاوتی دارند و وجه تمایزشان در آن چیزی است که مصرف می‌کنند (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰-۶۹).

در نظر وی، مصرف فرایندی است؛ شامل کردارهای اجتماعی و فرهنگی متفاوت که بیان‌کننده‌ی تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی است و فقط ناشی از عوامل اقتصادی نیست. وی برای اشاره به سبک زندگی و ارائه‌ی تحلیلی چند بعدی از آن، سه مفهوم را به کار می‌گیرد: ۱. سبک زندگی یا سبک‌مند شدن زندگی^۱. ۲. تدبیر زندگی^۲. ۳. بخت زندگی^۳. تدبیر زندگی بر انتخاب‌هایی که افراد صورت می‌دهند

1- Stylization of life
2- Lifeconduct
3- Lifechance

دلالت دارد، اما بخت زندگی عبارت است از احتمال تحقق یافتن انتخاب‌ها. می‌توان بخت زندگی را احتمال ساختاری تحقق یافتن منافع، خواسته‌ها، نیازها و بنابراین احتمال این که رخدادها بر وفق مراد باشند؛ تعریف کرد. تا به این جا می‌توان گفت که وبر خصیصه‌ی اصلی سبک زندگی را انتخابی بودن دانسته است اما انتخابی که در محدوده‌ی مضایق ساختاری است؛ تنگناهایی که احتمال تحقق یافتن انتخاب‌ها را محدود می‌کنند. وی این محدودیت‌ها را اقتصادی و اجتماعی می‌داند. اشاره به محدودیت‌های اجتماعی، نشان دهنده‌ی توجه وبر به مجموعه عوامل سنتی، ذهنی، هنجاری، حقوقی و مذهبی در محدود کردن سبک‌های زندگی است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸-۲۹).

از بحث وبر چنین برمی‌آید که سبک‌های زندگی علاوه بر آن که موجد تفاوت بین گروهی می‌شوند؛ به برتری‌های منزلتی و طبقاتی نیز مشروعیت می‌بخشند. گروه‌های منزلت و طبقات از طریق سبک‌های زندگی به گروه‌های مرجع تبدیل می‌شوند و معیارهای قضاوت اجتماعی و ارزیابی اخلاقی را نیز تعریف می‌کنند. دستاورد دیگر وبر تأکید نهادن بر کارکرد سبک‌های زندگی در جهت انسجام بخشیدن به گروه‌های اجتماعی است. در نظر وبر افرادی که سبک زندگی مشابهی دارند؛ نوعی انسجام گروهی را که ناشی از شباهت در رفتار و الگوی مصرف است، تجربه می‌کنند. مشابهت در الگوهای رفتاری و مصرف که غالباً با گرد آمدن در اماکن خاص و حتی تشابه الگوهای ارزشی و ذهنی نیز همراه است؛ می‌تواند نقطه آغاز آشنایی‌هایی باشد که در مقام پیوندهای ضعیف به سرمایه‌های اجتماعی، تبدیل می‌شوند. وجه دیگر انسجام اجتماعی، ناشی از سبک زندگی مشابه، ناظر به تبدیل

شدن سبک‌های زندگی به خرده فرهنگ است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۰).

سوبل^۱ در مورد شناخت وبر از سبک زندگی چنین بیان می‌کند: نقش قطعی یک سبک زندگی در پایگاه منزلت به این معنی است که گروه‌های منزلتی، عاملان ویژه‌ی «قراردادها» هستند. به هر شیوه‌ای که نشان داده شود، تمام سبک‌سازی‌های زندگی، چه ریشه در گروه‌های منزلتی داشته باشند و چه نداشته باشند؛ توسط این گروه‌ها محافظت می‌شوند. در این جا تأکید وبر بیش‌تر بر شیوه‌هایی است که به وسیله‌ی آن طبقه، گروه‌های منزلتی را بر مبنای اصول مصرف کالاهایی که نشان‌دهنده‌ی سبک‌های زندگی ویژه هستند، قشربندی می‌کند. پایگاه، نقشی کلیدی در قشربندی جامعه دارد و در مقابل از طریق سبک‌های زندگی گروه‌های مختلف ابراز می‌شوند. در تحلیل وبر سبک زندگی به نوبه‌ی خود نقشی اساسی در برساخت زندگی اجتماعی بازی نمی‌کند. برساخت سبک‌های زندگی فرایندی هم کنشی است و شامل حوزه‌هایی از سبک زندگی از قبیل تفریح و سرگرمی است که جامعه‌شناسان به طور سنتی توجهی شایان بدان مبذول داشته‌اند (مایلز، ۱۳۹۲: ۳۲).

۲. پیشینه تجربی

لامونت و همکاران^۲ (۱۹۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «حدود اخلاقی و فرهنگی در ایالات متحد: وضعیت ساختاری، موقعیت جغرافیایی و تبیین سبک‌های زندگی» به یک پیمایش عمومی در سال ۱۹۹۳ درباره‌ی بخش فرهنگ اشاره می‌کنند. این تحقیق مدلی را پیشنهاد می‌کند که حدود فرهنگی و اخلاقی تعیین‌کننده‌ها را در جمعیت

1- Sobel- Michael

2- Lamont et al

آمریکایی، ارزیابی می‌کند. محققین دریافته‌اند که وضعیت ساختاری-آموزش و تحصیلات، درآمد، طبقه و جنسیت-علاقه‌ی افراد را از یک حد نسبت به نوع دیگر تحت تأثیر قرار می‌دهد. موقعیت جغرافیایی و شرکت در گروه‌های سبک زندگی یک نقش مهمی را در تولید موجودیت‌های فرهنگی بازی می‌کند. در صورتی که هم حدود فرهنگی و هم حدود اخلاقی به وسیله‌ی موقعیت ساختاری و جغرافیایی، پیش-بینی می‌شوند؛ حدود فرهنگی به وسیله‌ی مشارکت در خوشه‌های سبک زندگی فرهنگی بزرگ‌تر، پیش‌بینی می‌شوند و حدود اخلاقی به وسیله‌ی مشارکت در خوشه‌های سبک زندگی مذهبی پیش‌بینی می‌شوند. موقعیت جغرافیایی و مشارکت در خوشه‌های سبک زندگی یک تأثیر قوی‌تری بر فارغ‌التحصیلان غیر دانشگاهی نسبت به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دارند (Lamont et al, 1996: 31).

ولز^۱ (۲۰۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «ارزش‌ها و سبک‌های زندگی آی دیوسنتریک^۲ و آلوسنتریک^۳ در یک فرهنگ فردگرا: یک روش توصیفی» بیان می‌کند که دقت میزان پژوهش در روانشناسی تطبیقی بر اثرات فردباوری-جمع‌باوری بر برتری و تقدم مصرف‌کننده برای درخواست‌های تبلیغ تجاری متمرکز شده است. اخیراً روانشناسان یک افزایش علاقه به فردگرایی را در نمودهای فردگرایی-جمع‌گرایی اثبات کرده‌اند. «آی دیوسنتریسم» به سطح فردگرایی شخص اشاره می‌کند در صورتی که «آلوسنتریسم» به سطح جمع‌گرایی شخص اشاره می‌کند. در این مقاله ولز با برداشت از نظریه‌ی فردگرایی-جمع‌گرایی به سبک زندگی توجه می‌کند. یافته‌های این

1- Wells

2- Idiocentrics

3- Allocentrics

پژوهش به یک همگرایی میان روش‌های درون‌گرا و برون‌گرا، براساس تقویت فردگرایی - جمع‌گرایی اشاره می‌کنند (Wells, 2002: 231).

واتسون و همکاران^۱ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه‌ی میان سیگار کشیدن، قومیت، شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی و متغیرهای سبک زندگی در نمونه‌ای از زنان دو نژاد» بیان می‌کنند که نرخ شیوع و رواج سیگار کشیدن در میان زنان و آشنایی با سیگار کشیدن در میان جوانان افزایش یافته است. تا کنون، اندکی از الگوهای منحصر به فرد سیگار کشیدن، عوامل خطر ساز و همبستگی کامل میان سن فرزندآوری زنان سیاه‌پوست در مقابل زنان سفیدپوست آشکار شده است. این پژوهش رابطه‌ی میان سیگار کشیدن، قومیت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و متغیرهای سبک زندگی را در میان ۷۱۵ زن (۴۳/۶ درصد سیاه‌پوست و ۵۶/۴ درصد سفیدپوست) آزمایش کرده است (Watson et al, 2003: 138).

گوتلیب و همکاران^۲ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «سبک زندگی اجتماعی و سیاست‌های متعارف در میان نوجوانان گذشته و امروز» بیان می‌کنند که این مطالعه از داده‌های ۱۲۳۱ زوج پدر و مادر در یک پیمایش ملی استفاده می‌کند که تأثیر مشارکت سیاسی را در جامعه‌پذیری نوجوانان ۱۲ تا ۱۷ سال بررسی می‌کند. آنان الگوهای موجود جامعه‌پذیری سیاسی را در به حساب آوردن شیوه‌های پیوسته‌ی سبک زندگی به سوی موجودیت سیاسی نوجوانان امروزه، بسط و گسترش می‌دهند و دریافته‌اند که در میان نوجوانان نسل جدید نسبت به نوجوانان قدیمی‌تر، شیوه‌های

1- Watson et al

2- Gotlieb et al

ارتباطی به خصوص ارتباطات آنلاین نسبت به عوامل جامعه‌پذیری از اهمیت بیش تری بهره مند هستند و استدلال می‌کنند که به ویژه نوجوانان قدیمی‌تر، به قابلیت کنترل به دست آمده از طریق رسانه‌های دیجیتال ارتباطی در ترویج رفتارهای سیاسی که به نگرانی‌های سبک زندگی فردی اشاره دارد؛ انتقاد می‌کنند (Gotlieb et al, 2015: 60).

استوارت بار^۱ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «سبک زندگی پایدار» بیان می‌کند که سبک زندگی پایدار به طور کلی شناخته شده است؛ اما اغلب بر سر توصیفی از راه‌هایی که در آن، رفتارهای آگاهانه یا ناآگاهانه‌ی شهروندان/مصرف کنندگان، منفعتی برای محیط زیست جهانی یا محلی دارد یا خیر؛ بحث و مجادله وجود دارد. این اصطلاح به طور گسترده اغلب به عنوان یک ابزار سیاسی، در کشورهایی مانند انگلستان، از طریق برنامه‌های تغییر رفتار از بالا به پایین به کار گرفته شده است. به انجام رساندن این اهداف سیاسی در محدوده‌ای از روش‌های تشویقی به سوی یک سبک زندگی پایدار از قبیل کمک‌های فردی در صرفه‌جویی انرژی، حفاظت از منابع آب، شیوه‌های سفر سازگار با محیط زیست و مدیریت ضایعات پایدار، آشکار می‌شود. در واقع، ما می‌توانیم طیف وسیعی از اعمال و رفتار را به عنوان شیوه‌های پایدار سبک زندگی توصیف کنیم که با تمرکز بر روانشناسی، جامعه‌شناسی و شیوه‌های عملی تغییر رفتار، در شیوه‌های متنوع فکری تحقیقات دانشگاهی منعکس می‌شوند. این مقاله نشان می‌دهد که این شیوه‌ها به نوبه‌ی خود، دلیلی است بر این که

1- Barr, Stewart

چالش علوم اجتماعی، آماده ساختن یک چشم انداز بلندپروازانه تر است از آن چه که یک سبک زندگی پایدار می‌تواند به سوی آن نظر کند؛ شبیه آن چه که یک چارچوب مرجع را بیشتر اجتماعی طراحی کند تا فردی. (Stewart Barr, 2015: 828)

میسو و ماریانی^۱ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «کیفیت تغذیه و سبک زندگی جدید» بیان می‌کنند که تمرکز بر کیفیت تغذیه، مستلزم یک رویکرد دوجانبه‌ی فردی و جمعی است. با توجه به کیفیت تغذیه، رویکرد فردی، به نوع سبک زندگی، که هر فرد دنبال می‌کند؛ منحصر می‌شود و از طریق هزینه‌های نسبی و حوزه‌های شخصی مسئولیت‌ها تعیین می‌گردد. در عوض رویکرد جمعی به کیفیت زمینه‌های ظاهری امور اجتماعی - اقتصادی و فرایندهای زیست محیطی بر می‌گردد که به شکل مناسب و مقتضی مدیریت می‌شوند و قابل گسترش به مسئولیت «فوق فردی» و تعیین دوباره‌ی توسعه و توزیع هزینه‌های کیفیت تغذیه است. در این مورد دوم، یک سبک زندگی سالم نتیجه‌ی یک فرایند پیشرفت و هدایت به سوی رفتارهای پایدار است و یک چرخه‌ی با ارزش را بر اساس سبک زندگی، فعال می‌کند که به نوبه‌ی خود ممکن است؛ کلید تندرستی و سلامتی در سرزمین‌های معین شود. با این نظر، هدف مقاله‌ی حاضر، برجسته کردن نقش کلیدی کیفیت تغذیه به عنوان یک تعیین کننده‌ی سلامتی و تندرستی پایدار است و خواستار توجه سیاستمداران به اجرای مناسب و مقتضی استراتژی مدیریتی در جمع‌آوری انحرافات آشکار بازار از طریق حمایت و ترویج سلامتی و سبک زندگی طبیعی است (Misso and Mariani, 2016: 257).

1- Misso and Mariani

رفعت‌جاه (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر موقعیت شغلی بر سبک زندگی زنان شاغل؛ مطالعه‌ای در زنان شاغل در وزارت بازرگانی» تلاش نموده است؛ جهت شناخت پیامدهای فردی و اجتماعی اشتغال زنان، تأثیر موقعیت اجتماعی و شغلی زنان را بر سبک زندگی آنان مورد بررسی قرار دهد. چارچوب نظری محقق، مبتنی بر نظریه‌ی بوردیو و روش تحقیق ایشان، پیمایشی و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها، پرسش-نامه بوده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در مجموع هر چه موقعیت شغلی و سرمایه‌ی اقتصادی زنان مورد مطالعه، ارتقا پیدا می‌کند، روابط اجتماعی آنان کاهش می‌یابد؛ همچنین میزان اوقات فراغت زنان رده‌های متوسط شغلی، نسبت به شاغلان رده‌های پایین و بالای شغلی، بیش‌تر بوده است؛ اما زنان رده‌های بالاتر شغلی با وجود محدودتر بودن فراغتشان، در اوقات فراغت خود وقت بیش‌تری به فعالیت‌های ورزشی و مصرف کالاهای فرهنگی اختصاص می‌دهند. در این پژوهش بین موقعیت شغلی و توجه به جنبه‌های جسمانی و میزان نظارت و کنترل بر بدن رابطه‌ای مشاهده نشد. در نهایت این مطالعه نشان می‌دهد، در زنانی که دارای موقعیت شغلی بالاتر بوده‌اند، نسبت به زنان رده‌های شغلی پایین، سبک زندگی از مصرف‌گرایی به ویژه مصرف تظاهری و تجملی فاصله می‌گیرد و توجه به جنبه‌های فایده‌ای و کاربردی کالاها بیش‌تر می‌شود. همچنین نتایج حاکی از آن است که سبک زندگی و الگوهای مصرف و در نتیجه تمایزهای هویتی زنان را نمی‌توان صرفاً از روی موقعیت شغلی آنان شناخت؛ بلکه باید تأثیر سایر عوامل فرهنگی از جمله جنسیت، تحصیلات و ارزش‌ها و نگرش‌ها را در شکل‌گیری هویت و سبک زندگی زنان مورد مطالعه قرار داد (رفعت-جاه، ۱۳۸۷: ۱۵۹-۱۳۷).

شارع‌پور و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر سبک زندگی بر خطر تصادف در میان جوانان شهر تهران» بیان می‌کنند که سبک زندگی، انتخاب مجموعه‌ای از فعالیت‌ها در درون محدوده‌های ساختاری است. رفتار سالم مانند دیگر اشکال رفتار اجتماعی، تحت تأثیر ارتباط دیالکتیکی عاملیت و ساختار قرار می‌گیرد. عاملیت، توانایی عاملان در انتخاب رفتارهایشان است؛ در حالی که ساختار، قاعده‌مندی‌هایی در کنش اجتماعی، ارتباطات اجتماعی نمادین و میزان دسترسی به منابعی را نشان می‌دهد که انتخاب‌ها را تقویت یا تضعیف می‌کند. این مقاله براساس یک نمونه‌ی ۴۵۰ نفری از جوانان ساکن در منطقه دو شهر تهران، هشت بعد یا سازه‌ی زیربنایی را برای مفهوم سبک زندگی رانندگی ارائه می‌کند. این ابعاد عبارتند از: رانندگی پرخطر، عشق رانندگی، زیبایی- لذت، مصرف فرهنگی، علاقه به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، دینداری، الکل و علاقه به شرکت در فعالیت‌های ورزشی. در میان ابعاد به دست آمده، رانندگی پرخطر و مصرف الکل دارای بیشترین تأثیر بر خطر تصادف هستند. داده‌های این تحقیق از طریق پرسشنامه و به شیوه‌ی پیمایشی جمع‌آوری شده است. پرسشنامه دارای ۹۳ سوال باز و بسته می‌باشد (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۶-۱۰۳).

فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد بین جنسیت و سبک زندگی رابطه‌ی معنی دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین وضعیت اشتغال و سبک زندگی رابطه‌ی معنی دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین وضعیت تأهل و سبک زندگی رابطه‌ی معنی دار وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین وضعیت مالکیت مسکن و سبک زندگی رابطه‌ی معنی دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین درآمد و سبک زندگی رابطه معنی دار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین پایگاه ذهنی اجتماعی- اقتصادی و سبک زندگی رابطه معنی دار وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، روش پیمایشی است و جامعه‌ی آماری، تمام دانشجویان در حال تحصیل دانشگاه شهید چمران اهواز در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ می‌باشند که آمار آن‌ها براساس اعلام دفتر برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز ۱۶۴۰۹ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم تعداد دانشجویان دانشکده‌های پانزده گانه، جنسیت و مقاطع تحصیلی کاردانی تا دکتری است. به منظور تعیین حجم نمونه روش‌های متعددی پیشنهاد شده است. کرجسی و مورگان^۱ با توجه به خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۹۵٪ همبسته با آماره‌ی مجذور کای (خی دو) برای یک درجه آزادی فرمول زیر را پیشنهاد می‌کنند:

$$n = \frac{z^2 N P(1 - P)}{d^2(N - 1) + z^2 P(1 - P)}$$

و جدولی را براساس این فرمول و مقادیر مختلف N ارائه کرده‌اند. براساس جدول

1- Kerjcie & Morgan

مذکور برای جامعه‌ی آماری ۲۰/۰۰۰ نفر، نمونه‌ی ۳۷۷ نفری را پیشنهاد کرده‌اند. (حسن‌زاده، ۱۳۹۲ : ۱۳۳-۱۳۲) با توجه به آمار دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، یک نمونه‌ی ۳۷۷ انتخاب گردید. برای گردآوری داده‌های پیمایش می‌توان از تکنیک‌های مختلف سود جست که در این پژوهش، ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه است. به منظور تشخیص پایایی گویه‌ها، پس از ورود داده‌ها به نرم افزار SPSS از ضریب آلفای کرونباخ استفاده نمودیم که نتایج به شرح زیر است:

جدول ۱: پرسشنامه سبک زندگی بر اساس مؤلفه‌های آن پس از حذف گویه‌های ناهماهنگ

عنوان	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
سلامت جسمانی	۵	.۷۴
ورزش و تندرستی	۶	.۸۴
کنترل وزن و تغذیه	۷	.۷۷
پیشگیری از بیماری‌ها	۴	.۵۸
سلامت روان‌شناختی	۷	.۷۸
سلامت معنوی	۵	.۸۴
سلامت اجتماعی	۶	.۸۲
اجتناب از داروها، مواد مخدر و الکل	۵	.۸۰
پیشگیری از حوادث	۶	.۷۲
سلامت محیطی	۴	.۵۵
ضریب آلفای کل	۰/۹۳	

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

تعریف مفهومی سبک زندگی: سبک زندگی، همان اعمال و کارهایی است که به شیوه‌ای خاص، طبقه‌بندی شده و حاصل ادراکات خاصی هستند. سبک زندگی تجسم یافته‌ی ترجیحات افراد است که به صورت عمل درآمد و قابل مشاهده است و الگویی غیر تصادفی است که ماهیتی طبقاتی دارد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۵).

در ادبیات جامعه‌شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و دو گونه مفهوم سازی متفاوت به عمل آمده است. در فرمول‌بندی نخست - که سابقه‌ی آن به دهه‌ی ۱۹۲۰ باز می‌گردد - سبک زندگی، مصرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به عنوان شاخصی برای تعیین طبقه‌ی اجتماعی به کار رفته است. در فرمول‌بندی دوم، سبک زندگی، نه راهی برای تعیین طبقه‌ی اجتماعی، بلکه شکل اجتماعی نوینی دانسته می‌شود که تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد. در این معنا، سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای (هویت) افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روز به روز افزایش می‌یابد. اهمیت و رواج فزاینده‌ی مفهوم سبک زندگی در علوم اجتماعی، ظاهراً ناشی از این واقعیت است که سنخ‌شناسی‌های موجود نمی‌توانند تنوع و گوناگونی دنیای اجتماعی را توضیح دهند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶).

تعریف عملیاتی سبک زندگی: در زمینه‌ی ارزیابی سبک زندگی افراد، آزمون‌هایی طراحی شده است که از بین آن‌ها می‌توان به «پرسش‌نامه سبک زندگی و شخصیت» که بیش‌تر به جنبه‌های آدلری سبک زندگی می‌پردازد، «پرسش‌نامه سبک زندگی

فرهنگی»، «پرسش‌نامه سبک زندگی کودکان» و «پرسش‌نامه‌ی سبک زندگی و سلامتی» اشاره کرد (لعلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۸).

پرسش‌نامه‌ی سبک زندگی (LSQ) یکی دیگر از ابزارهای سنجش و عملیاتی کردن سبک زندگی است که با ۷۰ گویه در طیف لیکرت ساخته شده است. لعلی و همکاران (۱۳۹۱) این پرسش‌نامه را با ۱۰ عامل یا مؤلفه شامل: ۱. سلامت جسمانی ۲. ورزش و تندرستی ۳. کنترل وزن و تغذیه ۴. پیشگیری از بیماری‌ها ۵. سلامت روان-شناختی ۶. سلامت معنوی ۷. سلامت اجتماعی ۸. اجتناب از داروها، مواد مخدر و الکل ۹. پیشگیری از حوادث و ۱۰. سلامت محیطی، تهیه کرده‌اند. (لعلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۵-۷۰) که در این پژوهش از آن بهره گرفته شده است.

تعریف مفهومی موقعیت‌های ساختاری- طبقاتی: در جوامع نوین سه شاخص بنیادی برای طبقه‌ی اجتماعی وجود دارد که عبارتند از: درآمد، شغل و سطح تحصیلات. علاوه بر این شاخص‌های بنیادی، متغیرهای مهم دیگر طبقات اجتماعی عبارتند از: مذهب، ملیت، جنسیت، محل سکونت و زمینه‌ی خانوادگی (کوئن، ۱۳۸۳: ۱۷۸). طبقه، تعیین کننده‌ی رفتارها، احساسات، اندیشه‌ها و نگرش‌های افراد و روابط اجتماعی آنان است. طبقات، افراد را به مقوله‌های اجتماعی تقسیم می‌کنند و این تقسیم، چنان اساسی است که روابط افراد، نوع زندگی و سرنوشت آن‌ها نیز تابع آن است. طبقه، نه فقط ابزاری برای تحلیل اجتماعی، بلکه مجموعه شرایط مادی زندگی است که انسان‌ها را دربرمی‌گیرد و الگوی موجودیت و هویت اجتماعی آن‌ها را ترسیم می‌کند (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۸-۷).

تعریف عملیاتی موقعیت‌های ساختاری- طبقاتی: سه روش عمده در بررسی ساختار طبقاتی جامعه به کار می‌روند. این روش‌ها عبارتند از: روش اشتهااری، ذهنی، عینی (کوئن، ۱۳۸۳: ۱۷۹) در این پژوهش از روش ذهنی استفاده شده است. «در این روش، از افراد پرسیده می‌شود که به نظر خودشان، به چه طبقه‌ی اجتماعی تعلق دارند.» (کوئن، ۱۳۸۳: ۱۷۹) موقعیت‌های ساختاری- طبقاتی مورد نظر در این پژوهش عبارتند از: جنسیت (۱- زن ۲- مرد)، وضعیت اشتغال (۱- بیکار ۲- شاغل)، وضعیت تأهل (۱- مجرد ۲- متأهل)، وضعیت مالکیت مسکن (۱- شخصی ۲- رهنی یا اجاره‌ای ۳- دولتی یا سازمانی ۴- به صورت رایگان) درآمد (۱- کمتر از یک میلیون تومان ۲- بین یک میلیون و یک هزار تومان تا دو میلیون تومان ۳- بین دو میلیون و یک هزار تومان تا سه میلیون تومان ۴- بین سه میلیون و یک هزار تومان تا چهار میلیون تومان ۵- بالای چهار میلیون تومان) و پایگاه ذهنی اجتماعی- اقتصادی (۱- خیلی پایین ۲- پایین ۳- متوسط ۴- بالا ۵- خیلی بالا).

یافته‌های پژوهشی

در جدول شماره (۲) به ترتیب فراوانی مشاهده شده و درصد فراوانی مشاهده شده‌ی متغیرهای جنسیت، وضعیت اشتغال و وضعیت تأهل و در جدول‌های شماره (۳) تا (۵) نیز به ترتیب فراوانی مشاهده شده و درصد فراوانی مشاهده شده‌ی وضعیت مالکیت مسکن، درآمد ماهیانه و پایگاه ذهنی اجتماعی- اقتصادی قابل مشاهده است:

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس جنسیت، وضعیت اشتغال و وضعیت تأهل

متغیر	عنوان	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۲۱۰	۵۵/۷
	مرد	۱۶۷	۴۴/۳
وضعیت اشتغال	بیکار	۳۴۳	۹۱/۰
	شاغل	۳۴	۹/۰
وضعیت تأهل	مجرد	۳۳۷	۸۹/۴
	متاهل	۴۰	۱۰/۶

جدول ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت مالکیت مسکن

متغیر (مالکیت مسکن)	فراوانی	درصد
شخصی	۳۲۰	۸۴/۹
رهن یا اجاره	۲۸	۷/۴
دولتی یا سازمانی	۱۲	۳/۲
رایگان	۱۷	۴/۵
کل	۳۷۷	۱۰۰

جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس درآمد ماهیانه

متغیر (درآمد ماهیانه به تومان)	فراوانی	درصد
کمتر از ۱۰۰۰۰۰۰	۱۰۹	۲۸/۹
۱۰۰۱۰۰۰ - ۲۰۰۰۰۰۰	۱۹۰	۵۰/۴
۲۰۰۱۰۰۰ - ۳۰۰۰۰۰۰	۴۷	۱۲/۵
۳۰۰۱۰۰۰ - ۴۰۰۰۰۰۰	۱۵	۴/۰
بالای ۴۰۰۱۰۰۰	۱۶	۴/۲
کل	۳۷۷	۱۰۰

جدول شماره (۵) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس پایگاه ذهنی اجتماعی - اقتصادی

متغیر (پایگاه ذهنی اجتماعی - اقتصادی)	فراوانی	درصد
خیلی پایین	۱۰	۲/۷
پایین	۴۶	۱۲/۲
متوسط	۲۴۷	۶۵/۵
بالا	۷۲	۱۹/۱
خیلی بالا	۲	۰/۵
کل	۳۷۷	۱۰۰/۰

فرضیه نخست: به نظر می‌رسد بین جنسیت و سبک زندگی رابطه معنی دار وجود دارد.

به منظور آزمون فرضیات نخست تا سوم که به بررسی تفاوت میانگین سبک زندگی، بین دو گروه (زن - مرد)، (شاغل - بیکار) و (مجرد - متأهل) می‌پردازند؛ از آزمون t دو گروه مستقل استفاده خواهد شد.

بنابراین با توجه به جدول (۶) میانگین نمره‌ی سبک زندگی در میان زنان (۲۱۵/۵۱) بیش تر از میانگین نمره‌ی سبک زندگی در میان مردان (۱۹۹/۴۴) است و با توجه به $Sig = ۰/۰۰۰$ این فرضیه تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سبک زندگی در میان دو گروه زن و مرد تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین وضعیت اشتغال و سبک زندگی رابطه معنی دار وجود دارد.

با توجه به جدول (۶) میانگین نمره‌ی سبک زندگی در میان دانشجویان شاغل

(۲۱۸/۹۷) بیش تر از میانگین سبک زندگی در میان دانشجویان بیکار (۲۰۷/۳۵) است و با توجه به $Sig = ۰/۰۱$ این فرضیه تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سبک زندگی در میان دو گروه دانشجویان شاغل و بیکار تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین وضعیت تأهل و سبک زندگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

با توجه به جدول (۶) میانگین نمره‌ی سبک زندگی در میان دانشجویان مجرد (۲۰۷/۲۹) کم تر از میانگین سبک زندگی در میان دانشجویان متأهل (۲۱۷/۷۰) است و با توجه به $Sig = ۰/۰۲$ این فرضیه تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سبک زندگی در میان دو گروه دانشجویان مجرد و متأهل تفاوت معناداری را نشان می‌دهد.

جدول ۶: آزمون t دو گروه مستقل

متغیر	عنوان تعداد	میانگین رتبه‌ها	انحراف معیار	درجه آزادی	آماره t	سطح معناداری sig<0/05
جنسیت و سبک زندگی	زن	۲۱۵/۵۱	۲۵/۱۹	۳۷۵	۶/۰۴	۰/۰۰
	مرد	۱۹۹/۴۴	۲۶/۱۵			
وضعیت اشتغال و سبک زندگی	بیکار	۲۰۷/۳۵	۲۶/۵۹	۳۷۵	-۲/۴۲	۰/۰۱
	شاغل	۲۱۸/۹۷	۲۷/۰۶۲			
وضعیت تأهل و سبک زندگی	مجرد	۲۰۷/۲۹	۲۶/۹۶	۳۷۵	-۲/۳۳	۰/۰۲
	متأهل	۲۱۷/۷۰	۲۳/۸۳			

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین وضعیت مالکیت مسکن و سبک زندگی رابطه معنی دار وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه که به بررسی تفاوت میانگین سبک زندگی، بین بیش از دو گروه (۱- مسکن شخصی ۲- مسکن رهنی یا اجاره‌ای ۳- مسکن دولتی یا سازمانی ۴- مسکن رایگان) می‌پردازد؛ از آزمون آنالیز واریانس F استفاده خواهد شد؛ پس با توجه به جدول (۷-۱) و $Sig = 0/01$ این فرضیه تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سبک زندگی در میان دانشجویانی که در مسکن شخصی زندگی می‌کنند با دانشجویانی که در مسکن غیر شخصی زندگی می‌کنند؛ تفاوت معناداری دارد. اما این آزمون به ما نشان نمی‌دهد که این تفاوت ناشی از تفاوت میان کدام گروه‌هاست. به منظور تشخیص تفاوت میان گروه‌های مختلف مالکیت مسکن، لازم است از آزمون تعقیبی Tukey استفاده کنیم و با توجه به جدول (۷-۲) می‌توان نتیجه گرفت که میان سبک زندگی دانشجویانی که در مسکن شخصی زندگی می‌کنند و دانشجویانی که در مسکن رهنی یا اجاره‌ای زندگی می‌کنند؛ تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۷-۱: آزمون آنالیز واریانس سبک زندگی دانشجویان مالک مسکن با غیر مالک

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	مقدار F	سطح معناداری ($Sig > 0/05$)
بین گروهی	۷۹۰۴/۴۹	۳	۲۶۳۴/۸۳	۳/۷۴	۰/۰۱
درون گروهی	۲۶۲۳۳۸/۰۲	۳۷۳	۳۱۸۷۰۳		
کل	۲۷۰۲۴۲/۵۲	۳۷۶			

جدول ۷-۲: آزمون تشخیصی توکی سبک زندگی دانشجویانی که در مسکن شخصی زندگی می‌کنند با دانشجویانی که در مسکن غیر شخصی زندگی می‌کنند.

سطح معناداری Sig > ۰/۰۵	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	نوع مالکیت مسکن و سبک زندگی
۰/۰۴	۵/۲۲	۱۳/۹۲(*)	شخصی * رهن یا اجاره
۰/۵۵	۷/۷۹	۱۰/۲۳	شخصی * دولتی یا سازمانی
۰/۲۴	۶/۶۰	۱۲/۳۷	شخصی * رایگان
۰/۰۴	۵/۲۲	-۱۳/۹۲ (*)	رهن یا اجاره * شخصی
۰/۹۷	۹/۱۵	-۳/۶۹	رهن یا اجاره * دولتی یا سازمانی
۰/۹۹	۸/۱۵	-۱/۵۴	رهن یا اجاره * رایگان
۰/۵۵	۷/۷۹	-۱۰/۲۳	دولتی یا سازمانی * شخصی
۰/۹۷	۹/۱۵	۳/۶۹	دولتی یا سازمانی * رهن یا اجاره
۰/۹۹	۹/۹۹	۲/۱۴	دولتی یا سازمانی * رایگان
۰/۲۴	۶/۶۰	-۱۲/۳۷	رایگان * شخصی
۰/۹۹	۸/۱۵	۱/۵۴	رایگان * رهن یا اجاره
۰/۹۹	۹/۹۹	-۲/۱۴	رایگان * دولتی یا سازمانی

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین درآمد ماهیانه و سبک زندگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

برای بررسی رابطه‌ی میان سبک زندگی و درآمد و همچنین سبک زندگی و پایگاه ذهنی اجتماعی- اقتصادی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته خواهد شد.

پس با توجه به جدول شماره (۸) و $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ می‌توان نتیجه گرفت که این فرضیه تأیید می‌شود و با توجه به $r = ۰/۱۳$ می‌توان گفت که رابطه‌ی بین درآمد ماهیانه و سبک زندگی، مستقیم است؛ بدین معنی که با افزایش درآمد، سبک زندگی توسعه می‌یابد.

فرضیه ششم: به نظر می‌رسد بین پایگاه ذهنی اجتماعی - اقتصادی و سبک زندگی رابطه معنی دار وجود دارد.

با توجه به جدول شماره (۸) و $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ می‌توان نتیجه گرفت که این فرضیه تأیید می‌شود و با توجه به $r = ۰/۱۴$ می‌توان گفت که رابطه‌ی بین پایگاه ذهنی اجتماعی - اقتصادی و سبک زندگی، مستقیم است؛ بدین معنی که با بالاتر رفتن سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سبک زندگی نیز توسعه می‌یابد.

جدول ۸: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و وابسته

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری ($\text{Sig} > ۰/۰۵$)
درآمد ماهیانه و سبک زندگی	۰/۱۳	۰/۰۰۰
پایگاه ذهنی اجتماعی - اقتصادی و سبک زندگی	۰/۱۴	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

برخی از شاخصه‌های طبقه اجتماعی را می‌توان مالکیت مسکن، اشتغال، تأهل، درآمد، و پایگاه ذهنی طبقه اجتماعی - اقتصادی دانست.

وبلن سبک زندگی را پدیده‌ای گروهی می‌داند، چیزی که محصول تعلق طبقاتی است و ماهیت مستقلی نیز ندارد و نمودی از وجود طبقاتی است (رستمی و اردشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۲). وبلن در بحث از مصرف، متوجه طبقه‌ی تن‌آساست و معتقد است؛ اعضای این طبقه برای کسب تمایز و منزلت اجتماعی، با یکدیگر و با سایر افراد جامعه، کشمکش و رقابت دارند. وی ثروت این طبقه را مبنای اصلی تمایز و جایگاه والای اجتماعی آنان می‌داند (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۸). براساس آراء وبلن، سبک زندگی با انگیزه‌های تمایزجویی و هم‌چشمی صورت می‌پذیرد. به تعبیر او مصرف خودنمایانه میان فرد و خاستگاه وی، فاصله می‌اندازد. طبقه مرفه یا تن‌آسا در جوامع کوچک، با فراغت خودنمایانه و در جوامع بزرگ شهری با مصرف متظاهرانه، تمایز خود را با دیگر طبقات اجتماعی گوشزد می‌کند (شاهنوشی و تاجی، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۵).

در بررسی رابطه‌ی شاخصه‌هایی همچون جنسیت، مالکیت مسکن، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، درآمد ماهیانه و پایگاه ذهنی اجتماعی- اقتصادی دانشجویان با سبک زندگی به نتایجی دست یافتیم که همگی رابطه‌ی معنادار شاخصه‌های یادشده را با سبک زندگی تأیید می‌کنند.

پیشینه‌ی تجربی تحقیقات نیز مؤید رابطه‌ی معنادار سبک زندگی با موقعیت‌های ساختاری و طبقاتی است. به عنوان نمونه لامونت و همکاران^۱ (۱۹۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «حدود اخلاقی و فرهنگی در ایالات متحد: وضعیت ساختاری، موقعیت جغرافیایی و تبیین سبک‌های زندگی» دریافتند که وضعیت ساختاری- آموزش و

1- Lamont et al

تحصیلات، درآمد، طبقه و جنسیت - علاقه‌ی افراد را از یک حد و مرز نسبت به نوع دیگر تحت تأثیر قرار می‌دهد (Lamont et al, 1996: 31) و محمدی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی میدانی با عنوان «مناسبات سرمایه‌ی فرهنگی و سبک زندگی: پیمایشی در میان شهروندان طبقه‌ی متوسط شهر سنندج، کردستان» به ارتباط معنادار سبک زندگی بر حسب وضع تأهل شهروندان اشاره می‌کنند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸).

علاوه بر این «ویر بحث از سبک زندگی را در خلال بحث از شانس‌های زندگی و به خصوص گروه‌های منزلتی بیان داشت. وی در مورد شانس‌ها معتقد است؛ شانس‌های زندگی نظیر سن، جنسیت و قومیت بر انتخاب‌های فرد، از جمله سبک زندگی تأثیر فراوانی دارند.» (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰-۶۹) با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیات و پیشینه تجربی و با توجه به نظریه‌ی وبلن و نظر ویر درباره‌ی سبک زندگی که از خلال شانس‌های زندگی - سن، جنسیت، اشتغال، منزلت و طبقه‌ی اجتماعی و... - برمی‌آید؛ می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که دانشجویانی که از موقعیت ساختاری و طبقاتی بالاتری برخوردارند؛ با انتخاب سبک زندگی متمایز، خود را از دیگر گروه‌ها و طبقات جدا می‌سازند و سبک زندگی توسعه یافته‌تری را نسبت به دیگر گروه‌ها و طبقات اجتماعی انتخاب می‌کنند. «ویر خصیصه‌ی اصلی سبک زندگی را انتخابی بودن دانسته است اما انتخابی که در محدوده‌ی مضایق ساختاری است؛ تنگناهایی که احتمال تحقق یافتن انتخاب‌ها را محدود می‌کنند» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸-۲۹).

نتایج جدول شماره (۶) نیز حاکی از تفاوت معنی‌دار میانگین سبک زندگی در

دو گروه جنسی زن و مرد، بیکار و شاغل، مجرد و متأهل است و همچنین نتایج جدول شماره (۸) از رابطه‌ی معنادار سبک زندگی و درآمد با ضریب همبستگی پیرسون ($r=0/13$) و همچنین رابطه‌ی معنادار سبک زندگی و پایگاه ذهنی اجتماعی-اقتصادی با ضریب همبستگی پیرسون ($r=0/14$) حکایت می‌کند. بدین ترتیب افراد و گروه‌های اجتماعی مشابه از نظر وضعیت‌های ساختاری مانند: جنسیت، وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل، وضعیت مالکیت مسکن، درآمد و پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سبک زندگی مشابهی را انتخاب می‌کنند و در نهایت می‌توان گفت که درآمد و ثروت هر طبقه‌ی اجتماعی-اقتصادی که ناشی از وضعیت اشتغال افراد آن طبقه است؛ به افراد آن طبقه، پایگاه و منزلتی را می‌بخشد که آنان را قادر به مصرف متمایز و متظاهرانه می‌کند و شیوه‌ی مصرف افراد این طبقات، آنان را از افراد دیگر طبقات متمایز می‌سازد و به آنان امکان انتخاب یک سبک زندگی متمایز با دیگران را می‌دهد.

منابع

- ابادری، یوسف؛ چاوشیان، حسن (۱۳۸۱)، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، رویکردهای نوین در تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی، *فصلنامه مطالعات جامعه شناختی*، شماره ۲۰، صص ۳-۲۸.
- باینگانی، بهمن؛ ایراندوست، سید فهیم؛ احمدی، سینا (۱۳۹۲)، سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی: مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی، *فصلنامه مهندسی فرهنگی*، شماره ۷۷، صص ۵۶-۷۴.
- حسن زاده، رمضان (۱۳۹۲)، *روشهای تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، نشر والان.
- شارع پور، محمود؛ ودادهیر، ابوعلی؛ قربان زاده، سکینه (۱۳۸۸)، تأثیر سبک زندگی بر خطر تصادف در میان جوانان شهر تهران، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۱۰۳-۱۲۶.
- شاهنوشی، مجتبی؛ تاجی، محمدرضا (۱۳۹۱)، تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان در شهرستان شهرکرد، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۵۱، صص ۹۱-۱۱۲.
- رستمی، احسان؛ اردشیر زاده، مرجان (۱۳۹۲)، نگاهی به نظریه‌های سبک زندگی، *فصلنامه مطالعات سبک زندگی*، شماره ۳، صص ۹-۳۲.
- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۷)، تأثیر موقعیت شغلی بر سبک زندگی زنان شاغل؛ مطالعه‌ای در زنان شاغل در وزارت بازرگانی، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۱۱، صص ۱۳۷-۱۵۹.

- علمی، محمود؛ صباغ، صمد؛ افتخاری، سروه (۱۳۸۹)، تعیین رابطه بین ابعاد سبک زندگی و مدیریت بدن در میان دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی بوکان، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی*، سال دوم، شماره ۷، صص ۲۳-۴۰.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *مصروف و سبک زندگی*، قم، انتشارات صبح صادق.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۰)، کمی‌سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی، *فصلنامه روانشناسی و دین*، شماره ۱۴، صص ۲۷-۴۴.
- کوئن، بروس (۱۳۸۳)، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ثلاثی، محسن، تهران، انتشارات توتیا.
- لعلی، محسن؛ عابدی، احمد؛ کجباف، محمدباقر (۱۳۹۱)، ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه سبک زندگی (LSQ)، *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی*، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۶۴-۸۰.
- مایلز، استیون (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی جوانان (روند تغییرات در سبک زندگی جوانان) جوان*، نعیمه، قریب، مینا، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدی، جمال؛ ودادهیر، ابوعلی؛ محمدی، فردین (۱۳۹۱)، مناسبات سرمایه فرهنگی و سبک زندگی: پیمایشی در میان شهروندان طبقه متوسط شهر سنندج کردستان، *فصلنامه جامعه‌شناسی ایران*، دوره سیزدهم، شماره ۴، صص ۱-۲۳.
- نوایی، جواد؛ سید موسوی، سید حسین (۱۳۹۲)، فلسفه‌ی سیاسی اسلام و الزام‌های سبک زندگی تمدن آفرین، *فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، شماره ۹۸، صص ۳۹-۶۲.

- Barr, Stewart (2015), *Sustainable Lifestyles*, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition), Pages 828-833.
- Gotlieb, Melissa R, Kyoung, Kyurim, Gabay, Itay, Riddle, Karyn, Shah, Dhavan V(2015), *Socialization of lifestyle and conventional politics among early and late adolescents*, Journal of Applied Developmental Psychology, Volume 41, November–December, Pages 60-70.
- Lamont, Michele, Schmalzbauer, John, Waller, Maureen, Weber, Daniel (1996), *Cultural and moral boundaries in the United States: Structural position, geographic location, and lifestyle explanations*, poetics 24, pp 31-56.
- Misso, Rosa, Mariani, Mauro Mario(2016), *Quality of Feeding and New Lifestyles*, Agriculture and Agricultural Science Procedia, Volume 8 , Pages 257-262.
- Watson, Jennifer M, Scarinci, Isabel C, Klesges, Robert C, Murra, David M, Vander Weg, Marrk, DeBon, Margaret, Eck-Clemens, Linda H, Slawson, Deborah L, McClanahan, Barbara (2003) *Relationships among smoking status, ethnicity, socioeconomic indicators, and lifestyle variables in a biracial sample of women*, Preventive Medicine 37, pp 138-147.
- Wells, William D, (2002) *The values and lifestyle of Idiocentrics and Allocentrics in an individualist culture: A descriptive approach*, Journal of consumer psychology, volume 12, issue 3, pp 231-242.